

X فداکاری مظنون

ہیگاشینو کیگو

ترجمہ محمد عباس آبادی



چترنگ

یک

ایشیگامی^۱ ساعت هفت و سی و پنج دقیقه صبح طبق روال صبح‌های آخر هفته از آپارتمانش خارج شد. درست قبل از ورود به خیابان، نگاهی انداخت به ایستگاه دوچرخه‌ها که بیشترش پُر بود و متوجه شد دوچرخه سبز سر جایش نیست. با اینکه ماه مارس فرارسیده بود، باد گزنده‌ای می‌وزید. با سری پایین انداخته راه می‌رفت و چانه‌اش را توی شالش فرو کرده بود. حدود بیست قدم به سمت جنوب، جاده شین - اوهاشی^۲ واقع بود. جاده از سمت شرق این تقاطع وارد منطقه ادوگاوا^۳ می‌شد و از سمت غرب به نیهونباشی^۴ راه داشت و درست قبل از نیهونباشی، با پل شین - اوهاشی از رود سومیدا عبور می‌کرد.

سریع‌ترین مسیر از آپارتمان ایشیگامی به محل کارش مسیری بود که به سمت شمال می‌رفت. تا سیچو گاردن پارک^۵ تنها حدود پانصد متر راه بود.

-
1. Ishigami
 2. Shin-Ohashi
 3. Edogawa
 4. Nihonbashi
 5. Seicho Garden Park

ایشیگامی در دبیرستان خصوصی نرسیده به پارک کار می‌کرد. معلم بود. ریاضی تدریس می‌کرد.

ایشیگامی به سمت چراغ‌قرمز سر تقاطع در جنوب راه افتاد، سپس به راست پیچید و به طرف پل شین - اوهاشی رفت. باد به صورتش می‌وزید و پالتواش را در اطرافش تکان می‌داد. دستانش را تا آخر در جیب‌هایش برد، قوز کرد و سرعت قدم‌هایش را افزایش داد.

لایه ضخیمی از ابرها آسمان را پوشانده و بازتاب خاکستری‌اش ظاهری مبهم‌تر از همیشه به رود سومیدا داده بود. قایق کوچکی در خلاف جهت رود بالا می‌رفت. ایشیگامی هنگام عبور از پل به پیش‌روی آن توجه کرد.

در آن‌سوی پل، از پلکانی که از پای پل به سومیدا منتهی می‌شد پایین رفت. از کنار پایه‌های آهنی پل شروع کرد به راه رفتن در امتداد رودخانه. هر دو طرف آب گذرگاه‌هایی با بتون قالب‌گرفته در ساحل ساخته شده بود. پایین‌تر، نزدیک به پل کیوسو، خانواده‌ها و زوجها اغلب در امتداد رودخانه قدم می‌زدند، ولی به ندرت تا اینجای ساحل بالا می‌آمدند. ردیف طولانی آلونک‌های مقوایی، که با ورقه‌های وینیل آبی پوشانده شده بودند، آن‌ها را دور نگه می‌داشت. آنجا محلی بود که بی‌خانمان‌ها در سایه یک بزرگراه روگذر که در سمت غربی رودخانه امتداد داشت زندگی می‌کردند. ایشیگامی با خودش فکر کرد که حتماً آن روگذر بزرگ پناهگاه خوبی در برابر باد و باران بوده است. اینکه حتی یک آلونک هم در آن‌سوی رود نبود این فرضیه را محتمل‌تر می‌کرد، اگرچه امکان داشت که اولین ساکنان غیرقانونی تصادفاً در آنجا ساکن شده باشند و بقیه هم که ترجیح می‌دادند به جای تنها ماندن در آن‌سوی آب از امنیت اجتماع آن‌ها بهره ببرند، فقط از آن‌ها پیروی کرده باشند.